

بسمه

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

سال ششم • شماره ۵۸

۷ صفحه • تیر ماه ۱۴۰۱

ماهنامه سیاسی

نوشتیدن جام زهر «ص ۴»

شفاف سازی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در سال ۱۳۶۷ ه. ش



سخن سردبیر

اولویت با کدام است؟ حجاب یا گرانی؟

بدیهی است که حجاب به عنوان قانون کشور شناخته می‌شود و رعایت آن الزامی است اما در میان مسائل موجود بزرگ کردن مسئله حجاب می‌تواند برای مردم معنای بی‌توجهی دولت به مسائل اقتصادی را القا کند. مسئله حجاب امری بسیار مهم است و تذکر حکومت نیز ضروری است. حجاب و گرانی هر دو مهم هستند اما آنچه به عنوان مسئله اصلی مطرح است، مشکلات اقتصادی می‌باشد و حل این مصائب از اهم وظایف دولت می‌باشد. لذا باید توجه داشت که تأکید بر حجاب به معنای حل مسائل اقتصادی و یا بی‌اعتنایی به سفره خالی مردم نیست. ملت ایران پیش از این با بصیرت و زکات خود دشمن را مغلوب خود ساختند. این مورد نیز همت مردم را می‌طلبد تا نگذارند مشکلات اقتصادی سبب تخریب و یا تضعیف پایه‌های انقلاب اسلامی شود.

رقیه خادم‌نیا

ستایش نقد درون گفتمانی «ص ۲»

سوزن در انبار گاه «ص ۳»

در جستجوی آزادی «ص ۶»

سر مقاله: ستایش نقد درون گفتمانی

● هدیه گیاه تازه - کارشناسی آمار و کاربردها



دلسوزانه بازهم نقد کنی و امید به اصلاح جامعه داشته باشی، فرق گزافی دارد تا در خارج کشور باشی و برای مردم کشور نسخه بیچی. البته نقد نیز دایره‌های دارد و مرامی می‌خواهد و مهمترین مرام آن به این است که خود اول بدون تعارف نقد بشنود و تیغ تیز را بر تن نحیفش بکشد. درزی‌های زمان قدیم که کارشان دوختن بخیه و زخمهای دردآور بود، اول نشتر داغ بر جان بیمار خود می‌زدند که درد در جان آنها می‌پیچید. پس از پاک شدن زخم، آن را بخیه می‌کردند و پس از مدتی زخم التیام می‌یافت. حال

خواهش ما به عنوان دست‌اندرکاران جوان بی تعارف دو چیز است: اول آنکه از مخاطبان می‌خواهیم یک آن نترسند که نشتر داغ بر جان نحیف نشریه بزنند. هرکس دعوی انتقاد دارد باید از خود شروع کند و منتظر شنیدن باشد. پس راه‌های ارتباط را جدی بگیرند و برای ما نقد منصفانه و دلسوزانه خود را بفرستند؛ دوم آنکه رسانه باشند برای ما. اگر چیزی خواندید که در نظر شما متین و درست بود، به باقی نیز بدهید تا بخوانند و تحلیل‌های درست در نطفه خفه نشوند.

در آخر بدانید برای آنان که دل در گرو مردم و وطن خود دارند، بسیار گران است که درد کشیدنش را نظاره‌گر باشند. این نقدهایی که چاپ می‌شود، حکایت همان نشتر داغ است. درد ناک است اما اگر دست به دست بچرخد و به دست صاحب کار برسد، نه تنها التیامبخش است که پس از مدتی سلامت و عافیت را دوباره به جان ایران عزیزمان برمی‌گرداند انشالله...

که الحمدلله نداریم، باز تو قطره‌ای داری از کل دریای خوبی. چرا؟ چه چیزی باعث اهمیت تا این حد تذکر و نقد است؟ علت مشخص است. قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود! امر به معروف و نهی از منکر درگیر جمع جامعه است و اگر هرکسی به اندازه قطره‌ای در اصلاح جامعه خود نقش ایفا کند، دریایی از خوبی و انجام وظایف ایجاد می‌شود. پس اگر هرکسی نقد خود را منصفانه و صریح بیان کند، از دو حال خارج نیست؛ یا نقدش پذیرفته می‌شود که این موجب اصلاح جامعه است، یا علت وجود آن وضع را متوجه می‌شود و می‌تواند در آگاه‌سازی دیگر افراد جامعه نقش داشته باشد. اما در باب بی‌تعارف که یک نشریه سیاسی است، باید دانست وظیفه دانشجویان در زمان دانشجویی، ارائه تحلیل و نقد منصفانه است. اعتبار بی‌تعارف بر آن است که توسط کسانی نوشته می‌شود که خود در درون جامعه هستند و نگوییم بیشتر از باقی، لاقبل به اندازه خودشان مشکلات جامعه را تحمل می‌کنند. این که شما در بطن جامعه باشی و

باید دانست دین اسلام یک دین پویا و منعطف برای تمام دوران هاست اما آن چیزی که دین اسلام را تا این حد پویا نگه می‌دارد، نه تکرار نمازهای ۵ گانه است که از اول اسلام همین‌گونه بوده و نه روزه و حج و امثال این فروع دین. رمز تأثیر پذیری این اعمال نه تنها در تغییر و پویایی آنها نیست بلکه در تکرار همیشگی آنهاست. اگر قرار باشد موسی به کوه طور برود، چگونه باید مطمئن باشد پیروانش گوساله‌پرست نخواهند شد؟ تصور می‌کنید اگر در بین بنی اسرائیل افرادی بودند که به مردم نهیب می‌زدند و آنها را از منکر و بدی دور می‌کردند و به سوی معروف و درستی هدایت می‌نمودند، آیا باز هم قوم موسی از راه صحیح آن هم در مدت به این کوتاهی منحرف می‌شدند؟ حضرت امیر(ع) در کلامی عمیق و دقیق می‌فرماید: «تمام حسنات در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچو قطره‌ای در برابر دریاست.» فهم ما از ابعاد دریا و قطره کجا و حضرت امیر کجا! فهم ما از تمام خوبی‌ها کجا و فهم حضرت کجا! یعنی اگر تمام خوبی‌ها را داشته باشی

سوزن در انبار گاه

● مریم امینی کوچکسرای - کارشناسی حقوق

را از بین می برد اما گناه یعنی من نماز نمی خوانم و روزه خواری می کنم که در این صورت باید با من صحبت شود اما حق ندارند با من برخورد فیزیکی کنند.

تندروی های افرادی مانند حسن عباسی، فائزه هاشمی، بانکها و ادارات چه در روند حجاب و جلوگیری از بدحجابی و چه در افزایش این مورد مشکل ساز است. مسئولان باید جلوی این حرکات را بگیرند که این کارها از هر نوع بزهکاری بدتر است.

وظیفه روحانیت تذکر و ارشاد است نه برخورد فیزیکی؛ زیرا در دنیای امروز قانون و نیروهای پیشگیری برای جلوگیری دایر شده اند و هر کس باید در جای خودش کار خود را انجام دهد. برخی از خطبه های نماز جمعه تند است برای مثال می گویند: بدحجابان، بچه های همان دزدها هستند. این حرف، خیلی زشت و تهمت بزرگی است. ممکن است خانمی بدحجاب باشد اما پدرش بسیار فرد درستکاری باشد. چرا این حرفها را می زنیم؟ بسیاری از اختلاسگران که در دولت نیز وجود داشتند، خانواده های آنها با حجاب بودند و برای حفظ ظاهر، حجاب را حفظ می کردند. باید دقت کنیم، خروجی این تندروی ها چه بوده است. اینکه گشت ارشاد بگذاریم، ایجاد ترس و محدودیت کنیم، نتیجه خوبی تا به الان نداشته است. همه عوامل بر روی حجاب تاثیر می گذارند خشونت و بکارگیری ابزار رعبانگیز فایده ای ندارد. برای حل مسائل اساسی، راه حل های اساسی لازم است. اقدامات ناگهانی و آنی بی تاثیر است. به دنبال جذب عنصر برای الگوریتم های حساس باشیم نه دفع آنان. با خشونت و زیاده روی نه تنها جذب عنصر نمی کنیم بلکه دافع هم هستیم. اینها تأثیر مثبتی ندارند. به دنبال اثرگذاری مثبت باشیم. پیگیر سوزن ها نباشیم. گاهها که جمع شوند، سوزن ها به راحتی پیدا می شوند و جمع می شوند.

مقررات از ورود افراد به این اماکن جلوگیری می کنند. اینها کارهای افراطی است که نه تنها حلال مشکلات نیست بلکه حتی افراد را بیشتر دور می کند. ریشه مشکلات نیز در بی اعتمادی ها، گرانی ها و مشکلات اقتصادی است که جامعه را ناامید می کند. روش های تند و ضربتی در مسائلی مانند حجاب، برای اقناع نسل نتایج خیلی بدی دارد و باعث دین گریزی و دین هراسی می شود. نسل جدید، تحصیل کرده هستند و افکار آنها رشد کرده است. هر چیزی را که به آنان می خواهید بگویید، باید همراه با منطق و استدلال باشد. صحبت کردن با پرخاش و تهدید با نسل جدید جواب نمی دهد. نسل جدید، نسلی نیست که از دیگران تقلید بکند و بگوید چشم. نسل جدید انتظار دارد که مشکلات اقتصادی، مالی، شغل و امنیتش حل بشود و این مدل تندروی ها تا به الان نتیجه معکوس داشته است. در دنیا هر چیزی که بخواهد جرم شناخته شود، باید تبدیل به قانون شود. یعنی جرم انگاری شود، تعریف شده و مجازات آن تعیین شود. برخورد با یک فرد بی حجاب آن هم از نوع فیزیکی خلاف شرع است. از طرفی، نمی توان در بدنه نظام افرادی را داشته باشیم که مروج بی حجابی باشند و از طرف دیگر، همین نظام گشت ارشاد بگذارد برای سرکوب کردن افراد بی حجاب. نمی توان گفت هر کاری که خلاف شرع است، جرم نیز هست؛ وقتی جرم هست پس می توان با آن برخورد کنیم. اگر جرم است باید تبدیل به قانون شود و من بر این عقیده ام که اینگونه مسائل اصلا جرم نیست.

فردی که خلاف اخلاق عمل کرده تا مادامی که به جامعه آسیب نرسانده است، باید او را به حال خودش بگذارند. باید با او صحبت کنند. ما یک گناه و یک جرم داریم. جرم یعنی انسان به حقوق افراد تجاوز می کند و حق جامعه

تندروی ها در فضای سیاسی کشور، طی چند هفته اخیر اوج گرفته است. یک عده حمله ور می شوند و یک عده مشوق هستند. در این هیاهو، آدم می ماند که واقعا کدام یک حق هستند؟! کدام دوست و کدام دشمن؟! خطبه های نماز جمعه با اظهارات تهدیدآمیزی در خصوص حجاب همراه بود. این تندروی در فضای سیاسی، اجتماعی یا ... برای کشور ایجاد خطر می کند. تندروی و برخورد تند با هر موضوعی من جمله حجاب، عکس العمل منفی دارد. اگر فضای سیاسی کشور می خواهد تند شود و این تندروی جوابگو باشد، باید علیه مشکلات اقتصادی انجام شود. آن چیزی که جامعه را رنج و عذاب می دهد، مشکلات اقتصادی است و نمی توان برای منحرف کردن ذهن مردم از این مسئله که با زندگی مردم عجین است، افکار را به سمت مسائل پایه دینی برد که کشور را بر آن اساس بنیان نهادند. در حال حاضر مشکل کشور، بدحجابی نیست.

مشکل بدحجابی در قبال سایر مشکلات مانند سوزن در انبار گاه است. هر سال تابستان، مسئله حجاب مطرح می شود که امسال این موضوع تندتر بیان شده و رئیس جمهور نیز به موضوع ورود پیدا کردند. اگر دولت، خطیبان نماز جمعه و مسئولان همه تلاش خود را برای حل گرانی ها، تحریم و مشکلات اقتصادی انجام بدهند، این مشکلات خودش حل می شود. تا مادامی که مشکلات اقتصادی حل نشود، مشکلات دیگر باقی است.

اقدامی که علیه حجاب انجام شد، افراد را از حقوق شهروندی باز می دارد، اینها کار درستی نیست. برای اصلاح جامعه و کم شدن آسیب های اجتماعی، باید به سراغ حل ریشه مشکلات رفت نه اینکه ایجاد مشکل کرد. نمونه اش اقدامات بانکها که با اعمال یکسری قواعد و

نوشیدن جام زهر

شفاف‌سازی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در سال ۱۳۶۷ ه. ش

● ندا دشت بزرگی - کارشناسی حقوق

قطعنامه می‌دانند، خستگی مردم از جنگیدن و درخواست اتمام جنگ از سوی مردم بود. در حالی که اگر با مقداری تیز بینی به مسئله نگاه کنیم و پای صحبت افرادی که در آن برهه از زمان زندگی می‌کردند بنشینیم و حتی با مشاهده تولیدات سینمایی با موضوع جنگ و مستندهای با این موضوع می‌پردازند، پی خواهیم برد که تا لحظه‌های پایانی جنگ، هنوز روحیه‌ی دفاع و شرکت در جنگ در مردم بیدار بود و صف‌های اعزام به جبهه‌ها فعال و پرشور بود. به طوری که وقتی خبر پذیرش قطعنامه به نیروهای حاضر در جنگ داده می‌شود، با وجود همه عوامل خسته‌کننده زیر حملات بمب و تیر و ترکش و گلوله از هر طرف ناباورانه با مقوله پذیرش برخورد می‌کنند و شوکه می‌شوند. چرا به غیر از اعتقادات دینی و باورهای مذهبی که منع توفیق از شهادت را در پذیرش می‌دیدند، باور داشتند که زمین بازی را در شرایطی که نزدیک پیروزی بودند راحت تقدیم دشمن کردند؟ سوال مهم این است

نشد و کشور در همان زمان هم در حالی که سر می‌برد که مشکلی بدون کمک بیشتر نداشت. به صورتی که اگر یکی از فرماندهان تأثیرگذار جنگ درخواست رفع یک نیاز ابتدایی را از دولت می‌کرد، اینقدر این درخواست در بروکراسی اداری دست به دست می‌شد که یا با آمدن نیاز جدید از یاد می‌رفت یا به نبودنش عادت می‌کردند و یا یک جور خود افراد حاضر در جنگ برای رفع آن تلاش می‌کردند و کلا بودجه‌ای که در آن سال‌ها خرج جنگ می‌شد، ۱۶ درصد بود که از خزانه‌ی دولت صرف جنگ می‌شد. این در حالی بود که بیشتر امکانات کشور نه اموال، خرج جبهه‌های نبرد می‌شد. امکانات یعنی همان نیروی انسانی کمک‌های مردمی و یا مثلاً آن کامیون‌های بازاربان که خرج کمک به جنگ می‌شد و اگر چیزی از خزانه‌ی دولت خرج می‌شد، همان ۱۶ درصد بود که صرف دادن سلاح، آن هم رزمنده‌ها می‌شد.

دومین عاملی را که باعث قبول

هنگامی که مشغول مطالعه وقایع تاریخی یعنی هر آنچه که در بطن زمان موجود است می‌پردازیم، به جمعی از وقایع برمی‌خوریم که هنوز بعد از سال‌ها که از وقوع این قبیل رویدادها می‌گذرد، در هاله‌ای از ابهام یا دلایل غیر واقع به سر می‌برند. یکی از این وقایع، توافق قطعنامه ۵۹۸ و چرایی و دلایل توافق آن در آن برهه‌ی زمانی است. آنچه که طی این ۳۰ و اندی سال توجه انسان جویای حقیقت را به خود مشغول می‌کند، چرایی و دلیل توافق است. آنچه که به نام توافق ۵۹۸ می‌خوانیم، هر آنچه و یا حداقل همه آنچه به وجود آمده است نمی‌باشد. در باب پذیرش قطعنامه چند عامل قابل توجه است:

اولین عامل، کمبود بودجه و نبود امکانات برای ادامه جنگ بوده است. درستی مطلب را از افراد تأثیرگذار مسائل اقتصادی جویا می‌شویم. عده شاخصی متحده واحد، جواب‌شان این است که از همان اوایل و سرآغاز جنگ هزینه‌ی قابل ملاحظه‌ای خرج جنگ

اعصاب عمومی فلسطین اشغالی را فرارگرفت

اعصاب عمومی فلسطین اشغالی را فرارگرفت. این خبر در روزنامه‌ها و رسانه‌ها به سرعت پخش شد. مردم فلسطین با شنیدن این خبر بسیار خوشحال شدند و جشن گرفتند. این اقدام نشان‌دهنده روحیه مبارزه و آزادی‌خواهی مردم فلسطین است.

دانش‌آموزان ایرانی ۴ medal طلا تخره از المپیک جهانی ریاضی دریافت کردند

دانش‌آموزان ایرانی در المپیک جهانی ریاضی موفق شدند و ۴ medal طلا تخره دریافت کردند. این موفقیت نشان‌دهنده توانایی و استعداد بالای دانش‌آموزان ایرانی در زمینه ریاضیات است.

کیهان

دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بازتاب جهانی تصمیم ایران

دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بازتاب جهانی تصمیم ایران. این مقاله به بررسی دلایل و پیامدهای این تصمیم تاریخی می‌پردازد. از جمله دلایل می‌توان به کمبود بودجه، خستگی مردم و تغییر در مواضع داخلی اشاره کرد.

سفر تانگه‌های ایران و کاندا نزدی دو بابت‌های دو کشور بازگشایی می‌شود

سفر تانگه‌های ایران و کاندا نزدی دو بابت‌های دو کشور بازگشایی می‌شود. این خبر نشان‌دهنده بهبود روابط بین‌المللی است.

هائیتی و فنسجانی: تصمیم به قبول قطعنامه ۹۸ یک تصمیم تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران است

هائیتی و فنسجانی: تصمیم به قبول قطعنامه ۹۸ یک تصمیم تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران است. این تصمیم نشان‌دهنده تغییر در مواضع این کشورها است.

کشف ۱۴ هزار از فرطی حشره کش خارجی در تهران

کشف ۱۴ هزار از فرطی حشره کش خارجی در تهران. این کشفیات نشان‌دهنده تلاش‌های امنیتی و مبارزه با قاچاق است.



کامل ما در می‌آمد و در توافق اهرمی برای رسیدن به حق و حقوق پایمال شده ما در جنگ بود؛ زیرا اگر شرایط ما را طرف بعثی قبول نمی‌کرد، شهر بصره کودتا می‌کرد و مجبور به قبول شرایط ما می‌شد ولی ما در زمانی به قبول قطعنامه مجبور شدیم که با قبول قول‌هایی که در قطعنامه داده شده بود از جمله جبران خسارت‌های عمرانی، بهداشتی و... و اعلام طرف شروع کننده جنگ هیچ کدام از این‌ها از طرف جامعه بین‌الملل برطرف نشد و تا به الآن نیز جامعه جهانی برای اعلام طرف متخاصم در جنگ ایران و عراق سکوت اختیار کرده است. همچنین آزادی اسرایی که قول داده شده بود همزمان با قبول قطعنامه به ایران بازگردند تا سال‌ها به توقیع افتاد. این در حالی بود که در همان سال‌ها در جنگ عراق با کویت، طرف کویتی بعد از اتمام جنگ خسارت خوبی از طرف دیگر عراقی گرفت و جنگ را به نفع خود کرد. تمام غم این بود که حضرت روح‌الله (ره) فرمود: «پذیرش قطعنامه، جام زهری بود که به من نوشاندند.»

انگلیسی، آلمانی وجود داشت و از سی و چند کشور جهان اسیر داشتیم یعنی کمک نیروی انسانی به طرف مقابل ما در جنگ، آماده‌سازی سلاح و دادن مهمات به نیروی عراق و پشتیبانی لجستیک به عراق رابطه‌ای از طرف ابر قدرت‌های جهان و دراز کردن دست دوستی به سمت ما نبوده بلکه آنچه می‌ماند این است که از دولتمردان تأثیرگذار همان افراد خواستار پذیرش قطعنامه، نوعی علاقه وافر به برقراری ارتباط و شکل‌گیری ارتباط بوده که جنگ و وجود عدم پذیرش قطعنامه مانع شکل‌گیری این ارتباط بوده است و به دیگر عاملی که در این قسمت از بحث اشاره می‌شود، عدم توافق یا تأخیر در توافق را مساوی با نرسیدن به جبران خسارت و زیر بار نرفتن طرف عراقی از دادن خسارت و به خاطر شرایط موجود، عدم وفاق و پیروزی در جنگ بود. این در حالی بود که ما در زمان پذیرش قطعنامه در شرایطی بودیم که در عملیات بیت المقدس تا شهر بصره عراق پیش رفته بودیم. بصره نیز شیعه بود و مردم بصره مخالف سرسخت صدام بودند. لذا اگر جنگ پیش می‌رفت، شهر به تصرف

که امکان دارد کسانی که از روز اول جنگ تا روز پایانی شعارشان جنگ جنگ تا پیروزی بوده، ملتی که بعد از قبول قطعنامه وقتی که صرفاً به خاطر بدقولی و بدعهدی طرف دیگر، با شور در عملیات مرصاد شرکت می‌کنند و دشمن را ناکام می‌گذارند، نشانی از خستگی و وادادگی در این مردم دیده شود؟

سومین عامل، عدم قبول قطعنامه را مساوی با قطع ارتباط با کشورهای ابرقدرت جامعه ملل از قبیل کشورهای اروپایی و آمریکایی و تأخیر در قبول قطعنامه را مساوی با نرسیدن و جبران نکردن خسارت وارد شده از سوی طرف دیگر قطعنامه بود. به اولین دلیلی که در این قسمت اشاره می‌شود، قطع ارتباط کشورهای دنیا با ایران است. با یک نگاه گذرا به اسناد جنگ خواهید دید که از زمان جنگ و قبل از آن یعنی از شروع و پیروزی شکوهمند اسلامی هیچ کشوری از این قدرتها با ما دوستی نداشته بلکه دشمنی داشته است. چه طور زمانی که در بین اسرایی که ما از جبهه‌ی عراق می‌گرفتیم غیر از عراقی،

در جست‌وجوی آزادی

به بهانه سالروز ترور میرزاده عشقی در ۱۲ تیر

● هدیه گیاه تازه-کارشناسی آمار و کاربردها



میرزاده که متولد همدان بود، از روشنفکران به نام مشروطه محسوب می‌شد. او با ملک‌الشعراء بهار و سید حسن مدرس روابط خوبی داشت. برخی نخستین اپرای ایران را حاصل تلاش او می‌دانند. میرزاده از روشنفکرانی بود که به حقوق زنان توجه می‌کرد و برای احقاق حقوق آنها تلاش می‌نمود. او که زبان تندی داشت، انتقادات جدی به فضای سرد و ظالمانه حاکمیت می‌کرد و از قضا همین زبان تندش سرش را بر باد داد. وقتی که نفوذ انگلیس در دربار ایران گسترش شدیدی یافت، میرزاده در این باب شعر جالبی سرود:

موارد یافت می‌شوند که وطن‌پرستی و دلسوزی آنها برای هم‌وطنان‌شان و کشورشان کم نبوده و همواره با آنها رفتار ناجوانمردانه‌ای شده است؛ افرادی که از قضا نویسندگان دغدغه‌مندی بودند که برای آگاهی مردم تلاش بسیار کرده‌اند. فرخی یزدی، علامه دهخدا، ملک‌الشعراء بهار، مهدی اخوان ثالث و هزاران نفر از این موارد که دلسوز وطن بوده‌اند و عقب‌ماندگی آن، دل آنها را به درد آورد.

به بهانه سالروز ترور میرزاده عشقی در ۱۲ تیر قدری به او خواهیم پرداخت.

تناورترین درخت‌ها با ضربات پی‌درپی یک تبر خواهند افتاد. علت قطع شدن درخت، نه آن حرکت آخر تبر که حرکات پی‌درپی تبر از آغاز بوده است. آزادی‌خواهان سراسر جهان همواره مقدس شمرده می‌شوند و هر کشوری که اشخاص این‌چنینی داشته باشد، بدون شک به آنها به خاطر تلاش برای مقابله با جهل افتخار خواهد کرد؛ نمونه‌های فراوانی نیز در سرتاسر زمین وجود دارند؛ مارتین لوتر کینگ، ماهاتما گاندی، ارنستو چگوارا و... مثال‌های بارزی از این اشخاص هستند. در تاریخ معاصر ایران نیز بسیار از این

پای صاحبخانه را از خانه بیرون می‌کند
موش را گر گربه بر گیرد رها چون می‌کند؟
آن که بهر یک وجب خاک اینقدر خون می‌کند
غاز فردا دعوی پنجاه میلیون می‌کند
چشم‌پوشی از دیار گنج قارون می‌کند!؟

وای از این مهمان که پا در خانه ننهاده هنوز
داستان موش و گربه است عهد ما و انگلیس
انگلیس آخر دلش بهر من و تو سوخته؟
آنقدر می‌دانم امروز ار که بر ما داده پنج
آن که در آفریک بر ریگ بیابان چشم داشت

در باب شخصیت‌های این‌چنینی هیچ اظهار نظر تنها سفید و یا تنها سیاه نباید کرد. در آن زمان با آن امکانات و ارتباطات و در آن شرایط همکاری انجام می‌شده تا کمی فضا گرم شود و توده مردم آگاهی پیدا کنند. پس نگاه منصفانه می‌تواند از ناامیدی و سرخوردگی جلوگیری کند. پس از آن که میرزاده به صورت مشکوکی ترور شد، در ابن بابویه به خاک سپرده شد. آرامگاه او در بخش محقر ابن بابویه قرار دارد. بر مزار او شعری از خودش درج شده که به شرح زیر است:

خاکم به سر، زغصه به سر خاک اگر کنم
از روی نعش لشکر دشمن گذر کنم

خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم
هر آنچه می‌کنی بکن ای دشمن قوی

آوخ، کلاه نیست وطن، گر که از سرم
من نیز اگر قوی شدم از تو بتر کنم

برداشتند فکر کلاهی دگر کنم
من آن نیم به مرگ طبیعی شوم هلاک

مرد آن بود که این کلهش، بر سر است و من
وین کاسه خون به بستر راحت هدر کنم

نامردم ار که بی کله، آنی به سر کنم
معشوق عشقی ای وطن ای عشق پاک من

من آن نیم که یکسره تدبیر مملکت
ای آن که ذکر عشق تو شام و سحر کنم

تسلیم هرزه گرد قضا و قدر کنم
عشقت نه سرسری ست که از سر به در شود

زیر و زبر اگر نکنی خاک خصم را
مهرت نه عارضی ست که جای دگر کنم

وی چرخ زیر و روی تو زیر و زیر کنم
عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم

جاییست آرزوی من، ار من به آن رسم
با شیر اندرون شد و با جان به در کنم

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه‌تازه

@anjoman_islami_alzahra

سردبیر: رقیه خادم‌نیا

@anjomanalzahra

هیئت تحریریه: هدیه گیاه‌تازه، ندا دشت بزرگی، رقیه خادم‌نیا،

مریم امینی کوچکسرایبی

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

صفحه آرا: مرضیه انبری